گردشگری

حمایت از گردشگری با بسته‌های حمایتی

با منع و ممنوعیت و محدودیت شدید سفر در تمام جهان از جمله کشور ما که به رکود صنعت گردشگری و متضرر شدن فعالان این عرصه در ایران منجر شده، خوشبختانه وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تدابیری اندیشیده و در همین راستا چندی پیش وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از اجرای طرح گام بانک مرکزی برای تأسیسات گردشگری، دفاتر خدمات مسافرتی و مراکز تولید صنایع دستی خبر داد. بر اساس این طرح پرداخت اقساط تسهیلات، حق بیمه کارفرمایی، مالیات و قبوض حامل‌های انرژی برای تأسیسات گردشگری، دفاتر خدمات مسافرتی و مراکز تولید صنایع‌دستی به مدت سه ماه به تعویق افتاد تا کمکی به صنعت گردشگری کشورمان باشد.

این طرح در مصوبه جلسه کارگروه مدیریت آثار و پیامدهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا به تصویب رسید و علی اصغر مونسان درباره‌اش گفت: در این جلسه همچنین مصوب شد طرح گام (گواهی اعتبار مولد) برای تأسیسات گردشگری، دفاتر خدمات مسافرتی و مراکز تولید صنایع‌دستی نیز اجرا شود تا بخشی از معضل سرمایه در گردش آنها که به دلیل شیوع ویروس کرونا به وجود آمده است، رفع شود.

براساس این طرح، صاحبان تأسیسات گردشگری، دفاتر خدمات مسافرتی و مراکز تولید صنایع‌دستی که علاقه‌مند هستند از طرح گواهی اعتبار مولد استفاده کنند، توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به بانک‌ها معرفی و با تضمین بانک، گواهی اعتبار دریافت می‌کنند؛ به این ترتیب در زنجیره ارزش، اوراق بهادار جای پول نقد را می‌گیرد. گواهی اعتبار مولد به‌عنوان ابزاری بازار محور و با قابلیت نقل‌وانتقال در بازارهای پول و سرمایه در کنار دیگر ابزارهای موجود، تسهیلات جدیدی را برای تأمین اعتبار این بخش‌ها و رونق تولید فراهم می‌کند./ جام جم دیلی

گردشگری دوباره بازخواهد گشت؛ چنان‌که بهار آمد

سال نو شده و باید از بهار و گل و سبزه نوشت و از اخبار خوش دلگرم کننده. اما سیطره سیاه کرونا هنوز روی این کره خاکی و ساکنانش باقی است و خبرها همچنان تلخ. ما اما در این فضا هم برایتان از امید می‌گوییم، از امیدی که چندی است به دلیل قرنطینه شهرها و کشورها و رکود شدید صنعت گردشگری، گردشگران و فعالان این عرصه را به‌شدت ناامید کرده، اما بهار می‌گوید که پس از هر زمستانی، بهاری است و بهار گردشگری هم دوباره از راه خواهد رسید. این را ما از قول دبیر کل سازمان جهانی گردشگری برایتان نقل می‌کنیم؛ از قول زوراب پولولیکاشویلی که در پیامی گفته: مواجهه با کووید- ۱۹ یك چالش جهانی است و همه ما بخشی از راه‌حل و به یك اندازه در برابر آن آسیب‌پذیر و مسؤول هستیم. حالا زمان مهربانی و درك متقابل و همچنین همکاری و همبستگی بین‌المللی فرا رسیده و اینها ارزش‌هایی هستند که هسته اصلی گردشگری را تشکیل می‌دهند. گردشگری دوباره بازخواهد گشت؛ ما قبلا هم بر فاجعه‌های این چنینی پیروز شده‌ایم و دوباره هم پیروز خواهیم شد./ جام جم دیلی

ذوالفقار بیتانه در حال نواختن دوتار

عکس: جام جم

گفت‌وگو با ذوالفقار بیتانه، استاد دوتارساز و دوتارنواز خراسان جنوبی که نامش در فهرست گنجینه زنده بشری ایرانیان جای گرفته است

موسیقی میراث اجدادی من است

پیش از این نام بیژن کامکار نوازنده ساز رباب، محمود فرشچیان استاد هنرنگارگری، علی‌محمد اعتباری رودی آخرین بازمانده دانش سنتی ساخت آسباد و علی اکبر بهاری، استاد سرنانوازی کردی خراسان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی در فهرست گنجینه‌های زنده بشری قرار گرفته بود

فاطمه مرادزاده

ایران

خراسان سرزمین عجیبی است؛ پر از حکایات عارفانه و عاشقانه و مردان و زنانی که سینه‌شان صندوقچه این حکایات است و زبان‌شان راوی این گنجینه نهان فرهنگ عامه. رد این حکایات را اگر بگیری و پیش بروی معمولا می‌رسی به سازی و آوازی؛ ساز دوتارنوازی و آواز عاشقانه‌ای که از ژرفنای دلش بالا می‌آید و پخش می‌شود توی گلویش و سرریز می‌شود روی زبانش، تا چون پرنده‌ای جان بگیرد و برسد بچسبد به طره موی یاری و دلبندی. این حال و هوای جای جای خراسان بزرگ است؛ خراسانی که یك رویش فردوسی و مولانا و عطار و خیام است و عاشقانه‌هایشان و روی دیگرش نوای ساز و دوتاری که برگی از آیین‌های شفاهی آن مرز و بوم است و با آن صدای بکر و وحشی و حزینی که انگار پخش است در هوای دشت و کویر و کوهستان این سرزمین؛ خاکی که گوشه‌ای از آن می‌شود تربت جام که از هر کوچه و خیابان و خانه‌اش نوای دل انگیز دوتار بیرون می‌ریزد و عاشقانه گوش‌نواز نوایی نوایی پورعطایی‌هایش هوش از سر و دل آدمی می‌برد و گوشه‌ای دیگرش می‌شود فردوس که اگرچه هوایش، هوای دوتار نیست و خالی از صفای این ساز خراسانی است، اما خاکش چونان خاك خراسان بزرگ آنچنان با عاشقانه‌های این ساز درآمیخته که حاصلش بشود رویش سنتی را از کنج خانه و آغوش پدر آغاز کرد و در کارگاه وی به تمرین و کار نشست و امروز و با موزه شدن کارگاه پدر گوشه‌ای در اداره میراث فرهنگی فردوس نشسته و همچنان می‌سازد و می‌نوازد و شاگرد پروری می‌کند.

با ذوالفقار بیتانه به گفت‌وگو نشسته‌ایم؛ با او که تنها بازمانده از نسل بیتانه‌های معروف در منطقه فردوس بوده که نسل‌های متمادی در ساخت و نواختن دوتار و دیگر سازهای موسیقی سنتی و مقامی سرآمد بوده و در نوازندگی هم سبك و شیوه خود را دارد. استاد بیتانه اما به ما می‌گوید که هنوز خود را استاد نمی‌داند و این جامه را برای خود بزرگ می‌داند و هنوز وقتی برای اجرا روی صحنه‌هایی می‌رود که بزرگانی چون مرحوم پورعطایی، مرحوم درپور، یا استاد عسگریان و عزیز تنهای تربت جامی پیش از آن اجرا داشته‌اند، دست و پایش به لرزه می‌افتد...

دوتارسازی شغل اصلی‌تان است یا در کنار آن به حرفه دیگری هم مشغولید؟

کلا همه کار و حرفه و سرگرمی و دلگرمی من ساخت و نواختن آلات موسیقی است که شامل دوتار و سه تار و نی لبك می‌شود. البته کار خراطی از قبیل ساخت پایه میز هم بخشی از کارم است، ولی بخش بسیار کوچکی از آن؛ بیشتر کارم همان ساخت ساز به‌ویژه دوتار است و نواختن آن.

حالا چرا ساز و چرا دوتار؟

خب ساخت ساز و دوتار یك میراث خانوادگی است و نسل اندر نسل به من رسیده است.

ساخت دوتار یا نواختن آن؟

هردوی آنها. پدرم هم مهارت ساخت دوتار را در حد اعلا می‌دانست و هم مهارت نواختن آن را. درست مثل پدر و پدربزرگ و اجدادش.

فرزندانتان هم اهل دوتار هستند؟

من سه دختر و پنج پسر دارم که همه‌شان دوتارنوازی را بلدند، اما پسرهایم مهارت ساخت دوتار را هم دارند و چهار نفرشان در این مهارت بی‌نظیرند، به‌ویژه پسر دومم علی که در کارگاه خودم مشغول است.

یعنی پسرهایتان هم از راه ساخت دوتار کسب درآمد می‌کنند؟

نه، این‌طور نیست. درواقع آنها مهارت ساخت دوتار را فرا گرفته‌اند و هرگاه فردوس باشند به کارگاهم می‌آیند و به من کمك می‌کنند، اما به خاطر درآمدزا نبودن این حرفه، پیشه شاطری را برای خود انتخاب کرده و هر کدام‌شان در یکی از شهرهای تربت حیدریه، تهران، مشهد و شمال به شاطری مشغولند.

خب، پس پسرها از همین نوجوانی و جوانی راه‌شان را از شما جدا کردند و مثل شما سفت و سخت به دوتارسازی و کارگاه نچسبیدند؟

البته من هم در برهه‌ای کارگاه را رها کردم و نزدیك بود برای همیشه کارمند و پشت میزنشین شوم، اما خاك کارگاه انگار رهایم نکرد. شاید هم از جوانی و بی‌خردی و کوتاه‌فکری خودم بود.

چطور؟

در سال‌های ۶۱ و ۶۲ و با سفارش چند نفر از هنرمندان، کارمند اداره ارشاد فردوس شدم. پیش از آن علاوه بر کار در کارگاه سازِ پدرم، کار بنایی می‌کردم و روزی ۳۰۰ تومان مزد می‌گرفتم، به عبارتی ماهی ۹۰۰۰ تومان، اما بعد از یکی دو ماه اداره ارشاد رفتن، وقتی درباره حقوق پرسیدم، گفتند شاید با اضافه‌کار بتوانیم ماهی ۴۰۰۰ تومان برایت ردیف کنیم، یعنی روزی ۱۵۰ تومان. هرطور حساب کردم نتوانستم با نصف دستمزد بنایی در اداره ارشاد کنار بیایم و استعفا دادم و حالا خیلی پشیمانم که چرا لگد به بخت خودم زدم، چراکه چند سال بعد از استعفا از داربست افتادم و کمرم ضرب خورد و دیگر هیچ‌وقت نتوانستم به کار بنایی برگردم. کار در کارگاه ساز هم که درآمد چندانی نداشته و ندارد.

بیتانه در حال ساختن دوتار

یعنی سفارش ساخت ندارید؟

خیلی کم، اگر هم مشتری باشد معمولا از شهرهای دیگر کشور است و آن هم اندك. در شهر خودم انگار غریبیم. اینجا کسی اهل دوتار و تار نیست. اگر کسی اهل ساز باشد، اهل سازهای غربی مثل گیتار و پیانو است. درواقع همان اندك درآمدی هم که دارم، برای کلاس‌های آموزشی نوازندگی است. طی پارسال و امسال فقط چهار شاگرد داشتم که همان‌ها هم از چند ماه پیش که کرونا آمده، قید کلاس و آموزش را زده‌اند.

گفتید که ساخت دوتار را از پدرتان فراگرفته‌اید. یادتان می‌آید چه وقت و چگونه؟

پدرم چوب خشك را از جنگل می‌آورد و با آن چنان دوتار زیبایی می‌ساخت و آهنگ نوایی نوایی را چنان در آن می‌نواخت و می‌خواند که گویا چوب خشکی را به صدا درآورده و زنده کرده است. پدر، سحرخیز بود و هر روز قبل از اذان صبح بیدار می‌شد و با صدای بلند نماز می‌خواند تا ما هم بیدار شویم. بعد از نماز هم دوتارش را برمی‌داشت و شروع می‌کرد به نواختن. یادم می‌آید روزهایی که هوا سرد بود، ما سریع نماز می‌خواندیم و می‌رفتیم زیر پتو. خواب و بیدار بودیم که صدای سازش به گوش‌مان می‌رسید. اصلا من از همان زمان عاشق صدای دوتار شدم؛ همان موقع که توی خواب و بیداری موسیقی دلنشین دوتار به گوش جان‌مان می‌رسید.

و این زمان چند سال‌تان بود؟

من از حدود شش سالگی دوتار پدرم را دست می‌گرفتم و تمرین می‌کردم. شب‌ها که دور هم می‌نشستیم، پدرم سازش را می‌آورد و شروع می‌کرد به نواختن. به همه بچه‌ها هم می‌گفت بیایید بنشینید و گوش کنید، اما آنها نمی‌آمدند و تنها شاگرد مشتاق کلاس من بودم. پدربزرگم به پدرم می‌گفت از بین بچه‌هایت فقط ذوالفقار هنر تو را ادامه می‌دهد و پشتت را خالی نمی‌کند و همین هم شد. همزمان با یادگیری دوتارنوازی، ساخت دوتار را هم آرام آرام در کارگاه پدر فراگرفتم.

از اولین دوتاری که ساختید چیزی به خاطر دارید؟

اولین دوتارم را وقتی ۱۲ سالم بود، ساختم؛ یك ساز کوچك که وقتی ساختش تمام شد، انگار دنیا را به من دادند. کوچك بود، اما می‌شد با آن دوتار زد.

پدرتان حتما خیلی خوشحال شد؟

نه اتفاقا، هم آنموقع و هم تا سال‌ها بعد، هروقت سازی می‌ساختم، می‌گفت این آشغالها را بریز دور؛ یعنی دقیقا تا ۳۰ سالگی که به نظرم بهترین سازم را ساختم؛ خوش دست و خوش صدا. پدرم با این‌که معلوم بود کیف کرده از ساخت آن، اما باز خندید و گفت، هنوز آشغال درست می‌کنی، ناراحت شدم و انداختمش زمین و با پایم آن را پرت کردم یك گوشه از اتاق و با گلایه گفتم: این‌که نشد من هرسازی می‌سازم شما می‌گویی بینداز دور. آن‌وقت پدر آرام توی گوشم گفت، ببین پسرم این سازت عالی است، یعنی از ساز من هم بهتر است، اما من اگر برای ساخت اولین ساز و سازهای بعدی‌ات تو را تحسین می‌کردم، تو یك آشغال‌ساز می‌شدی و ساز آشغال دست مشتری می‌دادی و من می‌خواستم تو بهترین باشی و بهترین سازها را بسازی.

و همه این سازها را در کارگاه پدر می‌ساختید یا کارگاه خودتان را داشتید؟

پدرم ۱۵ سال پیش فوت شد و من تا همین سه سال پیش در کارگاه ایشان کار می‌کردم و از سه سال پیش تاکنون فضای خوبی در اداره میراث فرهنگی شهرستان فردوس به من داده‌اند که شده کارگاهم و همانجا هم آموزش دوتارنوازی دارم و هم دوتار می‌سازم.

این روزها کسی هم برای فراگیری مهارت دوتارسازی به کارگاهتان می‌آید؟

نه راستش، درواقع تنها کارگاه موجود در فردوس کارگاه من هست. آقای حداد هم در خانه‌اش ساز می‌سازد و از طریق فضای مجازی به فروش می‌رساند.

افرادی هم که برای سفارش و خرید دوتار می‌آیند، اهل فردوس نیستند یا اگر فردوسی هستند، همشهریانی هستند که در شهرهای بزرگ مثل تهران و مشهد بزرگ شده و زندگی کرده‌اند و فرهنگشان تغییر کرده است.

دوتارنوازی چطور؟ فردوسی‌ها علاقه‌ای به فراگیری دوتارنوازی دارند؟

ببینید برخلاف شهرهای خراسان شمالی و رضوی و به ویژه تربت جام که از هر خانه‌ای صدای دوتار می‌آید و در هر خیابانی چند کارگاه دوتارسازی است، در فردوس چنین فرهنگی وجود ندارد. همان چند شاگردی هم که برای دوتارنوازی سرکلاس من حاضر می‌شوند، بیشتر افراد ۳۵ و ۴۰ سال به بالا هستند که گوش‌شان با صدای دوتار آشناست و حس و حال عاشقانه و عارفانه آن را درك کرده و قدر آن را می‌دانند.

مهارت‌تان در دوتارسازی بیشتر است یا دوتارنوازی؟

با این‌که شهره به دوتارسازی هستم، اما خودم فکر می‌کنم نوازندگی‌ام بهتر از سازسازی است، تاکنون هم پنج دیپلم افتخار برای نوازندگی دریافت کرده‌ام. درواقع از طرف اداره ارشاد خراسان به عنوان بهترین نوازنده در استان انتخاب شدم و از طرف وزارت میراث فرهنگی به عنوان بهترین دوتارساز کشور برگزیده شدم و نامم در فهرست گنجینه زنده بشری جای گرفت.

در روز یا ماه چند تا دوتار می‌سازید؟

اگر چوبش فراهم باشد، ماهی سه تا درست می‌کنیم. البته برخی‌ها در ماه ده ساز هم درست می‌کنند، ولی من برای ساخت هر ساز وقت زیادی می‌گذارم تا بهترین کیفیت را داشته باشد.

کار شما فصل خاصی دارد؟

نه، فرقی نمی‌کند، اما معمولا از یك ماه پیش از محرم تا یك ماه بعد از صفر و همچنان ماه مبارك رمضان مشتری نداریم و کار کاملا خوابیده است.

قرار گرفتن نام‌تان در فهرست گنجینه زنده بشریت چه حسی دارد؟

من حتی نمی‌دانم، چرا نامم در این فهرست جای گرفت. اما همیشه از پروردگار می‌خواستم که نامم در تاریخ ماندگار شود و خب خدای مهربان جواب خواسته‌ها و دعاهایم را داد. همین را بدان که اگر دلت را با «اوستا کریم» صاف کنی محال است جوابت را ندهد.

کسی تبریک نگفت!

راستش کمی دلخورم. از خارج از استان و استان‌های دیگر پیام تبریك‌های فراوانی دریافت کردم، ولی خدا را شاهد می‌گیرم حتی یك نفر از مردم شهر خودم یك تبریك ساده هم نگفت و نگفت دستت درد نکند که نام شهرمان را بلندآوازه کردی، حتی مسؤولان. فقط رئیس اداره میراث فرهنگی شهرستان یك تشکر زبانی کرد و از سایر مسؤولان فردوس خواست هرکسی هرکار می‌تواند برای قدردانی بکند. قرار بود یك قطعه زمین برای قدردانی به من بدهند و هریك از نهادها کمکی برای ساختش انجام دهد، ولی هنوز حتی زمینش را هم به من نداده‌اند.

فردوس کجاست؟

فردوس یکی از شهرهای خراسان جنوبی است که تا سال ۱۳۰۸ تون نام داشت و مردمش هم امروز به گویش تونی سخن می‌گویند که در میان گویش‌های فارسی در خراسان، یکی از قدیمی‌ترین گویش‌ها به‌شمار می‌رود.

بزرگ‌ترین رویداد ناگواری که در سده اخیر در فردوس روی داده، زمین‌لرزه سال ۱۳۴۷ به مقیاس ۷/۳ ریشتر است که موجب تخریب عمده فردوس و روستاهای اطراف آن و مهاجرت تعداد زیادی از بازماندگان شد.

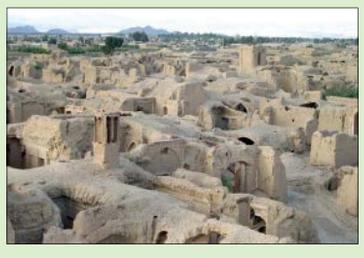

فردوس امروز به‌خاطر انار و زعفران مرغوبش میان ایرانیان معروف است، اما جاذبه‌های زیادی هم برای تماشا دارد و ان‌شاءا... بعد از دوران کرونایی به آنجا سفر کنید و از دیدن آنها که شامل آبگرم معدنی فردوس، شهر تاریخی تون، مسجد جامع تون، آب انبار و حمام کوشك، بارگاه امامزادگان سلطان محمد و ابراهیم، قنات بلده، کوه قلعه، قلعه دختر، کویر پلوند، باغ شهر اسلامیه و روستای ییلاقی باغستان می‌شود، لذت ببرند. راستی اگر روزی مسافر فردوس بودید حتما قصه دولا (یدا...) را از زبان فردوسی‌ها بشنوید؛ استاد سورنانوازی که در گذشته‌های دور در خشکسالی فردوس آن‌قدر در سورنا دمید و نواخت تا جان از بدنش رفت و ابرها به گریه آمدند و باریدند و باریدند و شهر پرآب شد.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۲۳

جدول عادی

افقی: ۱) محوطه ورزش اتومبیلرانی- بسیار سخت و مشکل- ثروت و دارایی ۲) شیرینی سوغات کرمانشاه- توتون قلیان ۳) حجر- پارچه مشبك- خانه‌ای در دو سطح مختلف ۴) درس‌ها- همزمان- پارچه استریل زخم‌بندی ۵) ماده‌ای برای برق انداختن سطوح بدنه اتومبیل- نامی دخترانه- افسرده ۶) سکوی شیرجه- پیاده در شطرنج- هشتمین ماه میلادی ۷) بندگی- ناسزاگویی- زیبا رو ۸) لباس آخرت- پایتخت سیرالئون- از منفورترین شخصیت‌های تاریخ شیعه ۹) شاهد- علم شعبده- زمینه ۱۰) نوعی کامیون- موش خرما- چشم دلفریب ۱۱) کیسه حمل بار- نوعی خویشاوندی- ثروتمند ۱۲) حرف انتخاب- شناکردن- خوشبخت ۱۳) رمانی درباره واقعه عاشورا نوشته صادق کرمیار- خراب کردن- محنت ۱۴) قهوه تلخ- محل تخلیه بار کشتی ۱۵) نوزاد گوسفند- بدون همنشین و همراه بودن- مقدور.

عمودی: ۱) انبرك جراحی- کنایه از دشمنی و خصومت شدید است- نوشیدنی حیات بخش ۲) سخنان بیمار تب‌دار- آگاه و باخبر- شهری در استان کرمانشاه ۳) بی رحمی- زینت روی انگشتر- رشته‌ای در شمشیربازی ۴) دمای غیرطبیعی بدن- مهربان- سرپرست جامعه اسلامی ۵) اصلاح عکس پس از ظهور- حفرکننده- نمره عالی ۶) سیاره زهره- موضوع- نازا ۷) پاداش- قهوه‌ای مایل به سبز- پروردگار ما ۸) ساز چوپان- مهاجم تیم فوتبال پرسپولیس- حرف همراهی ۹) باریك بین- جریان متناوب برق- خطاب غیرمودبانه ۱۰) از درجات نظامی- داستانی نوشته تورگنیف روسی- سبز مایل به خاکستری ۱۱) آتشگیره- از جنس آهن- چیستان ۱۲) وسیله تقویت صدا- صلح- خسیس پس نمی‌دهد ۱۳) آغوز- جامه، لباس- غمخواری ۱۴) سریع‌السیر- کنایه- آخرین سوره ۱۵) نوعی حلوا- مهارت در رانندگی- پایین رفتن آب دریا.

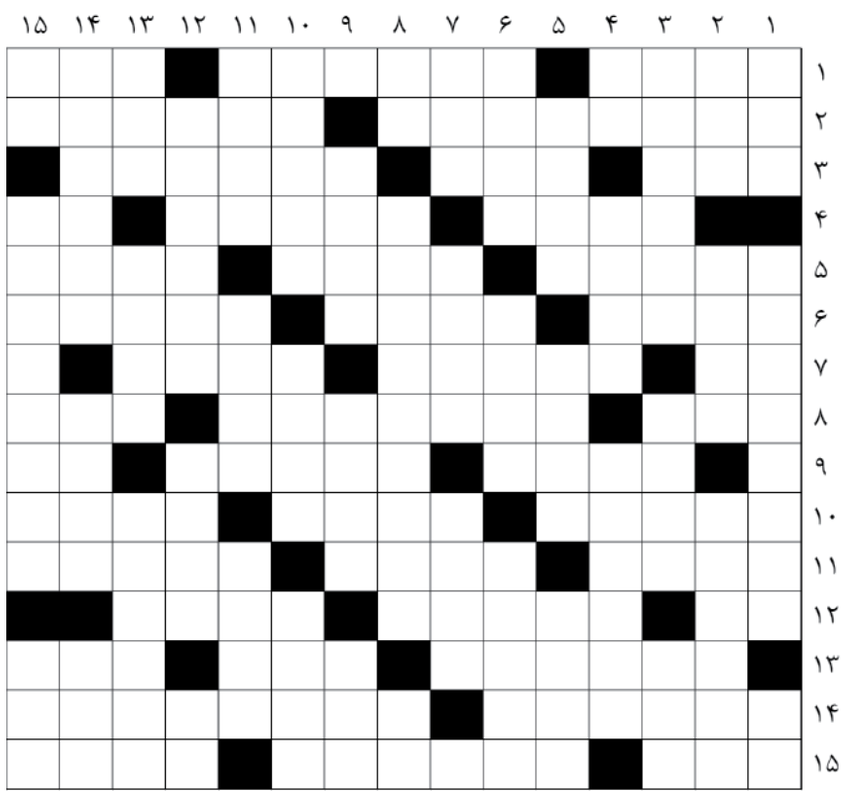

جدول ویژه

افقی: ۱) ریسمان محکم- کشتن با نیت قبلی- سوره سی و چهارم قرآن ۲) جهان پهلوان کیانی- از درجات روحانیت مسیحی ۳) گور- تهیدست- توصیه برای حل مشکل ۴) پدر مرده- روی قاب پنجره می‌اندازند- مفقود ۵) تیره روزان- آبریزگاه- فوق ۶) سیستم فرانسوی نمایش تصویر رنگی در تلویزیون- افسار- خالی کردن ۷) ام‌الخبائث- ریش صورت- قهوه‌ای مایل به سبز ۸) کلبه ترکمن- از الحان باربدی- علت ۹) سنگ قپان- ساقه زیرزمینی در تك لپه‌ای‌ها- طمع ۱۰) به حد مطلوب نرسیده- پوشاك- تکراری ۱۱) روزنامه چاپ ترکیه- روادید- خط القعر ۱۲) هشتمین ماه سریانی- سکه طلای عهد قاجار- نوعی میمون ۱۳) گلی زینتی- خون‌بها- نشانه ویژه ۱۴) بلندترین قله اروپا- دقیق و ریزبین ۱۵) گونه- الکل سفید- آستانه.

عمودی: ۱) سازهای منحنی- ابزاری برای نمایش تصاویر و حرکات ستاره‌ها- زیبایی قابل درك اما توصیف ناپذیر ۲) نژاد، تبار- صبر- میوه ملین ۳) دومین قاره بزرگ دنیا- مربوط به هنر- یك چهارم ۴) ریشه- جانشین وضو- فیلمی ساخته آندره تارکوفسکی ۵) جهان- سرخ- سخن شمرده ۶) بر پا ایستادن- مردار- دستیار ۷) درخت انگور- آلت نشانه روی در اسلحه- جسد بو گرفته ۸) قومی ایرانی- گستاخانه سخن گفتن- عامل انتقال صفات ارثی ۹) پسر گودرز در شاهنامه- اشاره- برداشت محصول ۱۰) ناشناخته- پاك- برج فرانسه ۱۱) خردمند- پرنده لذیذ گوشت- بی‌کس ۱۲) آنچه نتیجه می‌دهد- مرگ- مذکر ۱۳) تك نوازی در موسیقی- مسافر سرزمین عجایب- ایالتی در آمریکا ۱۴) گوشه‌ای در دستگاه شور- قلعه- دورویی ۱۵) سفید آذری- فیلمی ساخته تیم برتون با بازی آلبرت فینی- تکلیف مدرسه.

حل جدول عادی شماره ۵۶۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ع	ا	د	■	م	ن	ا	ج	ا	ت	ن	ا	م	ه
۲	ب	ا	ه	ا	■	ا	م	■	ن	ش	ی	■	ن	و	م
۳	ل	ر	د	■	ح	ک	م	ا	■	ر	غ	ب	ت	■	ب
۴	■	ی	ا	ر	د	■	ا	ج	ر	ا	■	ا	ر	و	س
۵	چ	ت	■	ا	ب	ت	ر	■	م	ق	ل	ت	■	ا	ت
۶	ر	ی	ا	ح	■	ه	پ	ل	ی	■	پ	ا	ر	س	ه
۷	ی	■	ب	ل	و	ن	ی	ا	■	ق	ی	ر	ا	ط	■
۸	ک	ا	ل	■	ر	ی	چ	م	و	ن	د	■	ی	ه	و
۹	■	س	ی	ا	د	ت	■	پ	ر	ا	ن	ت	ز	■	ل
۱۰	ی	ا	س	ی	ن	■	ع	ا	م	ر	■	ک	ن	د	ر
۱۱	ا	ل	■	ل	ه	و	ف	■	ی	ه	و	د	■	ر	م
۱۲	ز	م	ی	ن	■	ل	و	ا	ش	■	ل	ی	ب	ی	■
۱۳	■	ه	ز	ا	ن	و	■	خ	ل	غ	ت	■	ر	ا	ز
۱۴	ر	و	ی	■	ا	ل	ک	و	■	ل	ا	ی	ن	ف	ک
۱۵	ا	ن	د	ا	ز	ه	ک	ی	ر	ی	■	ت	ا	ت	ی

حل جدول ویژه شماره ۵۶۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	و	د	ل	■	ا	س	ک	ا	ر	و	ا	ی	ل	د
۲	ا	ب	ا	ژ	و	ر	■	ل	ه	و	ف	■	ه	ر	م
۳	ب	س	ی	■	ز	ی	ب	ا	■	ن	ا	ج	و	■	ا
۴	■	ا	م	ا	ر	■	ا	ش	ا	م	ا	■	ا	د	ک
۵	ی	ی	■	ح	ا	م	ی	■	ر	ا	ل	س	■	ل	ر
۶	ا	ت	ا	ش	■	ن	ک	ت	ه	■	پ	ل	ی	و	ه
۷	ن	■	ر	ا	ک	ت	و	ر	■	ن	ز	ا	و	■	■
۸	ه	ج	ا	■	د	س	ت	ی	ا	ف	■	ن	ه	ف	ت
۹	ا	س	ل	و	ب	■	ا	س	ت	ا	ر	■	ا	ن	س
۱۰	س	ن	م	ا	ر	ش	ک	و	ر	■	پ	ا	ن	گ	ل
۱۱	ی	و	■	م	ت	م	■	پ	ا	ن	ه	■	ل	■	ا
۱۲	س	ر	ی	ر	■	ت	ر	ن	ا	■	ق	ب	ر	س	■
۱۳	ن	■	و	د	ا	ع	■	و	س	ن	ی	■	ا	ت	ل
۱۴	ب	د	ن	■	م	ر	ت	ب	■	ا	ب	ت	ه	ا	ج
۱۵	ر	ن	گ	ع	و	ض	ک	ر	د	ن	■	ب	ی	ن	ه